

# اعلامیه نهضت آینده افغانستان

## در مورد انتخابات ریاست جمهوری

مؤرخ ۱۸ جوزای ۱۳۹۳ مطابق ۸ جون ۲۰۱۴

دور اول انتخابات ریاست جمهوری در افغانستان در شرایطی بر گزار گردید که قدرت سیاسی به قشر معدودی از صاحبان زر و زور تعلق دارد. گروهبندی در داخل این قشر برای احراز کرسی ریاست جمهوری هدفی جز حفظ امتیازهای کلان مالی (که بیشترین از چپاول به دست آمده اند) ندارد. آنگونه که نهضت آینده افغانستان پیوسته در تحلیلها و اسناد خود تصریح کرده است، تاکنون هیچ گونه الترناتیف دموکراتیک مردمی در وضعیت سیاسی کشور ظهور نکرده است. در چنین وضعی کرسی ریاست جمهوری ناگزیر به ارتجاع و حلقات وابسته به ناتو - امریکا خواهد رسید. بر بنیاد همین تحلیلها، هیئت اجرائیه نهضت آینده افغانستان در هنگام مسأله حمایت از یکی از کاندیدهای دور اول از سوی ائتلاف احزاب و سازمانهای دموکرات و ترقیخواه، موضع اصولی خود را طی نامه یی به هیئت رئیسه ائتلاف چنین تصریح کرد:

« به هیئت رئیسه ائتلاف احزاب و سازمانهای دموکرات و ترقیخواه افغانستان

در رابطه با موضعگیری نهضت آینده افغانستان در قبال انتخابات ریاست جمهوری و شورا های ولایتی رفقای عزیز،

نهضت آینده افغانستان نکته های زیر را خاطر نشان میسازد:

۱. از دیدگاه ما هیچ یک از کاندیدا های ریاست جمهوری اراده، استقلال سیاسی و توانمندی لازم را برای برون کشیدن جامعه افغانی از وضع فاجعه بار کنونی ندارد. ما در همنوایی با گزینه سوم [راهکار های انتخاباتی ائتلاف](#)، پیشنهاد میکنیم تا ائتلاف طی یک اعلامیه تحلیلی ماهیت واقعی آنها را آشکار سازد و مطالبات مردم را در آن انعکاس دهد. البته در صورتی که اکثریت پیشبینی شده در اصول تشکیلاتی پلاتفورم تصمیم دیگری بگیرند ما برای تحقق آن در کنار هیئت رئیسه ائتلاف قرار خواهیم داشت.

۲. ما از تمام کاندیدا های مترقی و دموکرات (از ائتلاف یا خارج از آن) در انتخابات شورا های ولایتی حمایت میکنیم.

هیئت اجراییه شورای مرکزی

نهضت آینده افغانستان

۲۳ جنوری ۲۰۱۴»

بررسی و تحلیل فشرده روند دور اول انتخابات ریاست جمهوری و شوراهای ولایتی، واقعیتهای زیر را برجسته می سازد:

۱- شرکت بی سابقه مردم و به ویژه زنان افغان در انتخابات، مثبت ترین جنبه این روند را تشکیل میدهد. با آنکه در بین تیمهای نامزد، بدیلی به حیث ممثل خواستها و نیازهای مردم و توانمند برای راه اندازی ریفورمهای بنیادی در نظام سیاسی - اقتصادی کشور، وجود نداشت تا آرای مردم ماهیت عمیق سیاسی کسب می کرد، با آن هم، خود اقدام شرکت در انتخابات به حیث حرکتی سیاسی، پدیده بیست که باید در محاسبات بعدی نیروهای مترقی و دموکراتیک برای متشکل ساختن یک الترناتیف دموکراتیک مورد توجه قرار گیرد.

بعد دیگر شرکت بی سابقه مردم در انتخابات، تبارز اراده غیر نظامی ساختن قدرت از یک سو و پاسخ به تلاشهای طالبان - پاکستان در جهت تداوم بی ثباتی و بی امنیتی در سرزمین افغانها، از سوی دیگر بود. شرکت گسترده زنان در انتخابات، سوای انگیزه ها یا تعلقات زبانی، قومی، گروهی، سمتی و غیره، به گونه دیگری به معنای نی گفتن به اندیشه ها و موضعگیریهای افراطیون قرون وسطایی بود.

۲- نیروهای چپ و دموکراتیک افغانی نتوانستند به حیث یک نیروی مستقل سیاسی در روند انتخابات تبارز نمایند. ایتلاف احزاب و سازمانهای دموکرات و ترقیخواه با همه تلاشهای سازنده اش، نیز نتوانست یک پارچه گی خود را حفظ کرده، نیروهای مترقی را به سوی خود جلب نماید. چند دسته گی در حمایت از نامزدان ریاست جمهوری اگر از یک سو ناشی از

نبود تفاوت‌های سرشتی بین تیمهای نامزد بود، از سوی دیگر ممثل سطح ضعیف تشکل سیاسی - سازمانی جنبش دموکراتیک نیز بود. نیروهایی که خود را مترقی و دموکرات اعلام می‌دارند، نتوانستند از روند انتخابات به سود تشکل و تقویت خود بهره برداری کنند.

۳- دسته بندی در بین قشر حاکم و ترکیب تیمهای نامزد واقعیت‌های زیر را آشکار ساخت:

**الف:** سازمانهای جهادی و سرکرده گان آنها نه تنها نتوانستند زیر شعارهای ایدئولوژیک متحد شوند، بل، در ترکیب تیمهای مختلف نامزد، تقسیم شدند. بدین گونه می شود گفت که عنصر **منافع فردی و گروهی** در تقسیم سازمانهای جهادی به تیمهای مختلف، نقش تعیین کننده را داشت، نی تعلق ایدئولوژیک به یک حزب یا یک سازمان.

**ب:** ترکیب ملیتی و زبانی تیمهای نامزد گواه گونه یی آغاز فرا گذاشتن روند سیاسی نسبت به تعلقات قومی و زبانی در کشور است. دامن زدن مسایل قومی و زبانی در سالهای اخیر از سوی حلقات و گرایشهای افراطی که جداً در چوکات **واپسگرایی به هویت‌های بدوی** سازمان داده می شد، به اهداف خود نایل نگردید و انقطاب قومی یا زبانی رخ نداد. می شود این پدیده را نیز به حیث جنبه مثبت روند انتخابات در دور اول خاطر نشان ساخت.

**ج:** دور اول انتخابات، بحران در سازمانهای متعلق به جهاد را حاد تر ساخت. احتمال تشکل سازمانهای جهادی به حیث **احزاب پایدار** در زنده گی سیاسی کشور ضعیف تر شده می رود. آیا می شود از آغاز روند غیر جهادی شدن وضعیت سیاسی کشور سخن راند؟

۴- برگزاری گردهماییهای نسبتاً بزرگ و سازماندهی تبلیغات گسترده رسانه یی نشانه های مثبت شکل گیری مبادی یک فرهنگ جدید سیاسی در کشور است.

۵- حضور مستقل قوای مسلح کشور در ساحه، عملی نشدن برنامه برهم زدن انتخابات از سوی طالبان - پاکستان و پاسخ قوای مسلح افغانی به حملات طالبی - پاکستانی گواهی میدهند که قوای مسلح افغانستان حرکت **ملی شدن** خود را آغاز کرده اند. فعالیت آنها در جریان دور دوم انتخابات و موضعگیری شان در قبال نتایج دور دوم برای داوری در باره "ملی شدن" آنها تعیین کننده خواهد بود.

دور دوم انتخابات ادامه منطقی دور نخست است. تقسیم بندی تیمهای نامزد دور اول و موضعگیریهای ضد و نقیض متنفذین قشر حاکم تا سطح "استخاره" (!) نشان می دهند که بین دو

تیم نامزد، تفاوت‌های سرشتی وجود ندارد و هر دو در خدمت همان سیاست‌های پیشین در زیر چتر حمایت فرماندهان ناتو - امریکا خواهند بود و هیچ گونه بهبودی در وضع زنده گی توده های مردم افغانستان رو نما نخواهد گردید. اگر از یک سو جلوه های مثبت و امیدوار کننده یی از سهمگیری مردم ما و قوای مسلح کشور در روند انتخابات وجود دارند، از سوی دیگر، با تأسف، کدام الترناتیف سیاسی برای برون کشیدن افغانستان از وضع فاجعه بار آن، وجود ندارد. در چنین شرایطی نهضت آینده افغانستان موضعگیری خود را در قبال نامزدان دور دوم یک بار دیگر تائید کرده، تیمهای نامزد را فاقد اراده سیاسی، صلاحیت و توانمندی برای حل مسایل اساسی کشور می پندارد.

تحلیل وضعیت نشان میدهد که شرایط برای بنیاد گذاری یک حزب مترقی بزرگ نسبت به گذشته مساعد تر گردیده اند. با استفاده از فرصت، نهضت آینده افغانستان یکبار دیگر بر تشکل نیروهای مترقی در یک حزب سیاسی به حیث مؤثر ترین وسیله برای استقرار حاکمیت مردمی تأکید می ورزد.